



ظرفیت‌های قانون اساسی ایران در افزایش مشارکت شهروندان در پرتو راهبردهای حکمرانی خوب

صادق علیخانی^۱

رضا اسلامی^۲

صابر نیاورانی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۰۱/۲۶ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۸/۰۳/۱۰

چکیده

اصل مشارکت از پذیرش این موضوع حاصل می‌شود که مردم محور توسعه می‌باشند. مردم نه تنها ذینفع توسعه در ابعاد گوناگون سیاسی، مدنی، اقتصادی و ... هستند بلکه ابزار و واسطه توسعه نیز می‌باشند. مشارکت یعنی این که صدای شهروندان در مراکز تصمیم‌گیری شنیده شود. مقاله پیش رو با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی در پی امکان سنجی ظرفیت‌های مشارکت جویانه قانون اساسی ایران و دستورات و توصیه‌های نظریه حکمرانی خوب برای افزایش مشارکت شهروندان می‌باشد. در واقع قانون اساسی ایران و نظام حقوقی و سیاسی ایران با توجه به المان‌ها و عناصری چون «جامعه مدنی»، «انتخابات» که حلقه واسطه فی ما بین قانون اساسی ایران و توصیه‌های حکمرانی خوب می‌باشد. به نظر قابل جمع و تطبیق با موقعیت مطلوب و ایده آل حکمرانی خوب می‌باشد. در واقع توسعه جامعه مدنی می‌تواند منجر به توسعه اجتماعی و سیاسی نظام ایران و کمک به روند دموکراسی می‌گردد و انتخابات در بدو امر معیار کمی مشارکت و سپس می‌تواند به معیار کیفی مد نظر حکمرانی خوب نزدیک شود. عبور انتخابات از توجه صرف به معیارهای صرفاً کمی به معیارهای کیفی می‌تواند منجر به دولت منتخب با ویژگی پاسخگویی شود که خود تحصیل حاصل از عنصری دیگر از عناصر حکمرانی خوب می‌باشد.

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی حقوق عمومی، گروه حقوق عمومی و بین الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۲ دانشیار گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (استاد راهنما و نویسنده مسئول). someal@yahoo.com

^۳ استادیار گروه حقوق عمومی و بین الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (استاد مشاور)

کلید واژه‌ها

مشارکت، انتخابات، حکمرانی خوب، جامعه مدنی.

مقدمه

مشارکت واقعی، توانایی و فرصت تأثیر گذاردن بر روی فرآیند تصمیم‌گیری عمومی است که مستلزم یک درگیری فعال و مداوم است. مشارکت عمومی، فرآیند مشورت و رایزنی بین تصمیم‌گیرندگان و تمام طرف‌های ذی نفع و تحت تأثیر واقع شده، می‌باشد. مشارکت متضمن آن است که ساختار حکومت به میزان لازم انعطاف پذیر باشد تا به ذینفع‌ها و دیگر افراد تحت تأثیر حکومت، فرصت بهبود طراحی و اجرای برنامه‌ها و پروژه‌های گوناگون را بدهد.

مشارکت به معنای فراهم آوردن زمینه نقد و بررسی مشترک برای یافتن هدف‌های مشترک است. همچنین در تعریفی تازه از سوی سازمان ملل مشارکت بدین گونه بیان شده است: «دخالت دادن و درگیر کردن مردم در فرآیندهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که به سرنوشت آنان اثر می‌گذارد.»^(۱) مشارکت عمومی به صورت یک فرآیند ضروری برای شکوفایی و پرورش فرد و اجتماع بیان شده است و در آن بر نقش کلیه مردم در همه زمینه‌های زندگی پافشاری می‌شود. «مشارکت مردم در سیاست به هر شکل معنا داری برای تحقق دموکراسی لازم است، هرچند کافی نیست ... مشارکت سیاسی بدون رقابت سیاسی، مشارکت دموکراتیک به شمار نمی‌رود.»^(۲)

حکومت‌ها بدون حضور مردم نمی‌توانند مستقر شوند، بدون مشارکت و همراهی مردم نیز استمرار نخواهد یافت. نظام دموکراتیک تنها زمینه ساز مشارکت واقعی شهروندان است. در حکومت‌های دموکراتیک، این مردم‌اند که بر قانون گذار و دولت حکومت می‌کنند. دموکراسی‌ها به طور منظم انتخابات آزاد و عادلانه برگزار می‌کنند که همه شهروندان حق شرکت در آن را دارند. «دموکراسی دولت‌ها را قانون مدار می‌سازد و متضمن این است که تمامی شهروندان از حمایت برابر قانون برخوردار باشند و دستگاه قضایی از حقوقشان دفاع کند.»^(۳)

در بحث مشارکت، مشارکت در توسعه سیاسی و توسعه اجتماعی جایگاه ویژه‌ای دارد، به طوری که امروزه بر مشارکت در امر توسعه چنان تأکید می‌شود که گویی توسعه مترادف با مشارکت است. لذا تدوین راهبردی مبتنی بر سازمان دهی مردمی در رابطه با سیاست‌ها و خط مشی‌هایی که در جهت کسب حداکثر مشارکت مردم تنظیم می‌گردند، از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار است. پس بسیار ساده انگارانه خواهد بود که مشارکت را به شرکت در انتخابات، و آن هم از نوع صوری و نمایشی، محدود کنیم، مشارکت اصیل و خودانگیخته نه در

انتخابات، که در جامعه مدنی روی می‌دهد. مشارکت می‌تواند از طریق میانگین رسومات مشروع و عرف یا از طریق نمایندگان هدایت شود. این مسئله مهم است که دقت گردد:

«مشارکت در زندگی سیاسی برای افراد هزینه‌هایی برمی‌دارد و مستلزم صرف وقت، توان و منابع است. طبعاً هر چه هزینه مشارکت کمتر باشد، میزان آن افزایش می‌یابد. در نظام‌های بسته و غیر دموکراتیک معمولاً افراد برای مشارکت واقعی در سیاست متحمل هزینه‌های کم و بیش سنگینی می‌شوند.»^(۴)

مشارکت با حقوق بشر ارتباط تنگاتنگی دارد اهداف اصلی حقوق بشر نظیر حقوق مدنی و سیاسی، حفظ صلح و امنیت و توسعه و تضمین احترام به حقوق بشر مستلزم آن است که تمامی افراد جامعه باور کنند که در فرآیند اداره آن جامعه سهمی دارند و احساس نکنند که از جریانات اصلی به کنار گذاشته شده‌اند و رفاه و پروسه توسعه یک جامعه بستگی به این دارد که همه اعضای آن احساس کنند که در آن سهمی دارند و این نیازمند آن است که همه گروه‌ها به ویژه آسیب پذیرترین آن‌ها از فرصت‌های لازم برای توسعه یا حفظ رفاه خود بهره مند باشند. «حقوق همبستگی سومین نسل از حقوق بشر تلقی گردیده است.»^(۵) حق بر توسعه و حق بر محیط زیست، توسعه یافته‌ترین شاخصه‌های حقوق همبستگی می‌باشد این نسل از حقوق بشر دارای این ویژگی است که بدون مشارکت همه افراد و گروه‌ها نمی‌تواند محقق گردد. در مقدمه پیش طرح سومین میثاق بین‌المللی در حقوق همبستگی ۱۹۸۲ سازمان ملل متحد آمده است:

«همکاری بین المللی در خصوص حقوق بشر نسبت به صلح، توسعه و محیط زیست و میراث مشترک بشریت دارای اهمیت اساسی است زیرا تحقق آن‌ها جز از طریق الحاق کوشش‌های پیوسته همه دولت‌ها و افراد و دیگر اشخاص عمومی و خصوصی میسر نیست.»^(۶)

اصل مشارکت در حوزه توسعه پایدار در این اصل ریشه دارد که قلب و محور توسعه میبایستی مردم باشند. مردم نه تنها ذی نفع نهایی توسعه هستند بلکه عامل و کارگزار توسعه نیز می‌باشند از آن جا که توسعه برای مردم است و توسط مردم نیز باید صورت گیرد لازم است مشارکت آنان بیشتر گردد. «کشورهایی که وضع بهتر اقتصادی دارند، فرصت بهتری برای حفظ دموکراسی خواهند داشت.»^(۷) رشد طبقه متوسط شهری پشتوانه نهادینه شدن برای ثبات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی یک کشور می‌باشد و همه این امور در گرو جامعه مدنی بدست می‌آید و به تبع آن می‌توان انتظار: ملی‌گرایی، قانون‌گرایی، تعلق خاطر شهروندان به نظام سیاسی، نظام سیاسی عقلانی، خشونت‌زدایی، رفتار و مهارت قاعده‌مند، حل و فصل اختلافات به صورت حقوقی و قانونی و ... را داشته باشیم.

البته این مشارکت پیش شرط‌هایی هم دارد من جمله شناسایی آزادی بیان و اجتماعات و اطلاع‌رسانی بهنگام، خصوصاً در حوزه محیط زیست، اطلاعات و اطلاع رسانی اهمیت فراوانی دارد چرا که با دارا بودن اطلاعات لازم مردم می‌توانند در شناخت علل آلودگی محیط زیست سهیم باشند و در نتیجه وضعیت زندگی خویش را مشخص کنند و در سطح کلان در تعیین سیاست‌های محیط زیست در هر کشور مشارکت داشته باشند. در پایان یادآور می‌شود که ارتباط مشارکت با حقوق بشر فقط در حقوق نسل سوم نمی‌باشد بلکه با دید دوباره به ارزش‌های بنیادین مشارکت همانند سهیم کردن در قدرت و اختیار در میابیم که مشارکت ارتباط تنگاتنگی با حقوق مدنی و سیاسی نیز دارد. باید توجه داشت که مشارکت همگانی و کثرت‌گرایی^(۸) و حضور اندیشه‌ها و افکار متنوع و متعدد به هم تنیده‌اند و دولت در قبال محصول افزایش مشارکت که همان کثرت‌گرایی است دارای تکلیف می‌باشد به این صورت که اولاً احترام به استقلال و هویت جلوه‌های متعدد فکری و حزبی دارد. ثانیاً تضمین آزادی افکار و احزاب نیز اقتضاء مشارکت همگانی است.^(۹)

۱- نگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی به مفهوم مشارکت

از آن‌جا که مشارکت در کنار دیگر عوامل مانند حاکمیت قانون، پاسخگویی، تفکیک قوا، نظارت، رعایت حقوق و آزادی‌های افراد وجود احزاب و نهادهای مختلف مدنی منجر به رشد و تعالی و نوسازی یک جامعه می‌شود می‌توان آن را امری ضروری و لازم در نظر گرفت. به بیانی دیگر «امکان برابر مشارکت و رقابت در سیاست، تکررگرایی و پیدایش گروه‌های متنوع، افزایش توان و قابلیت‌های نظام سیاسی، تفکیک و تخصصی کردن وظایف، حاکمیت قانون و رعایت حقوق شهروندان از جمله شرایط اساسی برای رسیدن به نوسازی سیاسی است.»^(۱۰)

نگاه قانون اساسی ایران به موضوع مشارکت در اصل ۶ قانون اساسی به‌عنوان یک اصل کلیدی متبلور گردیده است. در کنار اصل ۶ می‌توان به اشکال و انواع گونه‌های مشارکت شهروندان که در قانون اساسی به آنها اشاره داشت توجه کرد و ابعاد مشارک شهروندان در قانون اساسی صرفاً در انتخابات منحصر نمی‌گردد بلکه نگاه وسیع‌تر و عمیق‌تری دارد از جمله اصول ۷ و ۸ و فصل سوم قانون اساسی که به موضوعات حقوق بشر، آزادی‌های عمومی، جامعه مدنی و احزاب اشاره دارد و فصل هفتم از قانون اساسی به موضوع مهم شوراها توجه نموده که مرکز ثقل موضوع انتخابات و جامعه مدنی می‌باشد.

در مقدمه قانون اساسی ایران تأکید بر «نفی هرگونه استبداد فکری و اجتماعی» شده است و هدف را «سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان» در نظر گرفته است و به قدری موضوع تعیین سرنوشت مردم بوسیله خودمردم و منتخبین آنها حائز اهمیت بوده است که «هدف حکومت رشد انسان در حرکت به سوی نظام الهی» می داند و این مهم به دست نمی آید مگر اینکه «مشارکت فعال و گسترده عناصر اجتماع» بوجود بیاید و وظیفه قانون اساسی را نیل به چنین مشارکت و تصمیم گیری سیاسی دانسته است.

«مشروعیت نهادهای دموکراتیک مدیون تمرین روزانه و آزاد دموکراسی توسط شهروندان جامعه دموکراتیک است ... تمامی قدرت دموکراسی در اداره شهروندان برای شرکت در دموکراسی و شیوه شرکت مسئولانه آنان در این کالبد سیاسی است. در یک دموکراسی کثرت‌گرا با سطح مشارکت بالای افراد جامعه است که قابلیت داشتن شکل انتخاباتی و نمایندگی واقعی را هم دارد.»^(۱۱) نحوه حضور مردم در دموکراسی موجب شده است که سخن از «دموکراسی مشارکتی» در برابر «دموکراسی نماینده سالار» به میان بیاید. «دموکراسی مشارکتی» فرایندی است که بر حضور گسترده شهروندان در هدایت و اعمال نظام‌های سیاسی تأکید دارد.^(۱۲) فرق و تمایز «دموکراسی مشارکتی» با «دموکراسی نماینده سالار» این است که در دموکراسی نماینده سالار مشارکت محدود مردم از طریق حضور در انتخابات بوده است و بعد از آن فعالیت اصلی حکمرانی به منتخبین سیاسی مردم واگذار می‌گردد ولیکن در دموکراسی مشارکتی تلاش می‌شود که فرصت‌هایی برای همه اعضا جامعه سیاسی فراهم کند تا مشارکت معناداری در فرآیند تصمیم‌سازی داشته باشند و در صدد است که طیف افرادی را که به چنین فرصت‌هایی دسترسی دارند، گسترش دهد. فلایده و ثمره «دموکراسی مشارکتی» این است که اولاً مشارکت و حضور مردم و شهروندان فعالانه خواهد بود و ثانیاً شهروندان به این نتیجه خواهند رسید که مشارکت سیاسی آنها ارزش‌مند تلقی خواهد شد. به این معنا که فرد رأی و نظر خود را سرنوشت ساز تلقی می‌نماید که رأی او واقعاً مورد توجه و تأمل در وضعیت نظام سیاسی قرار می‌گیرد و «حق تعیین سرنوشت خود» را تحقق عینی یافته درمی‌یابد. با این رویکرد می‌توان عناصر یک نظام دموکراتیک را در مفاهیم زیر پیگیری نمود که عبارت است از: حکومت اکثریت، حقوق اقلیت، احزاب سیاسی، مطبوعات آزاد، حاکمیت قانون، حقوق بشر، تفکیک قوا، پاسخگویی دولت، انتخابات آزاد و عادلانه و جامعه مدنی.

دموکراسی بدون برخورداری فرد از حق مشارکت و شانس برابر و دارا شدن حقوق شهروندی که عبارتند از حق رأی همگانی برای همه شهروندان و مشارکت کارآ، یعنی

برخورداری از امکان بیان خواست‌های خود در روند تصمیم‌گیری‌ها، بهره‌مندی از شانس هم‌سان در جا انداختن خواست‌های ویژه فردی، در کنار وجود افکار عمومی آگاه، برخورداری از امکان مشارکت فردی و جمعی، یعنی بهره‌مندی از اشکال مشارکت عرفی یا غیر عرفی، همراه با امکان اتخاذ تصمیم‌هایی برای زمان از پیش محدود شده، نمی‌تواند محقق شود. جامعه مدنی، جامعه ای شهروند مدار و مشارکت جو و مشارکت‌پذیر است و سعی می‌کند خواست‌های عمومی را از کانال دموکراسی حکومت خودگردان ایده آل شهروندی است.»

مقاله از دو منظر به جایگاه و موقعیت‌های مشارکت جویی شهروندان و روش‌های افزایش مشارکت در قانون اساسی ایران می‌پردازد جایگاه اول به جامعه مدنی اختصاص دارد که در واقع بستر دموکراسی و کسب حقوق مشروع مردم و جایگاه آموزش حقوق شهروندی می‌باشد. شیوه دوم در قانون اساسی ایران انتخابات می باشد که اساس جمهوریت نظام می‌باشد و به موجب اصل ۱۷۷ قانون اساسی غیر قابل تغییر و جزو اصول لاینفک قانون اساسی به شمار آمده است.

۱-۱- جامعه مدنی

جامعه مدنی پویایی است در جهت رسیدن به اهداف حکمرانی خوب از طریق حفظ حقوق شهروندی در ذات و جوهر که در جامعه مدنی شکل می‌گیرد. از مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه مدنی عبارت است از: قانون‌مندی، رواداری، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی، انتقادپذیری، شفافیت، نظارت همگانی، نفی تبعیضات ناروا و فساد و جلوگیری از قانون شکنی و انحصارگرایی.

وجود این چنین اوصافی در هر نظام سیاسی و اجتماعی اگر نهادینه شده و پایه‌ریزی گردد پشتوانه نظام سیاسی قرار می‌گیرد و راهبردهای روشن و مشخصی ارائه می‌دهد در جهت سوق دادن حکومت به سمت و سوی حکمرانی خوب، به این سبب که حکمرانی معنایی فراتر از حکومت کردن دارد. چون حکمرانی محصول مشترک سه نهاد حکومت (طبقه حاکم)، جامعه مدنی و بخش خصوصی است. بنابراین حکمرانی، دولت را در بر می‌گیرد اما با وارد کردن و مشمول قرار دادن جامعه مدنی پاره‌پاره از عرصه حکومتی صرف فراتر گذاشته و حقوق بشر و توسعه را محور فعالیت قرار می‌دهد. «حکمرانی خوب مفهومی است مشتمل بر معیارهای و استانداردها، رویه‌ها و اصول حکومتداری که دولت‌ها از طریق آن امور عمومی را به انجام می‌رسانند، منابع عمومی را اداره می‌کنند و حقوق بشر را تضمین می‌نمایند ... حکمرانی خوب نسبت نزدیکی با مردم سالاری و فرآیندهای دموکراتیک دارد.» (۱۳)

ساختار جامعه مدنی به روند شکل‌گیری و استحکام مشارکت کمک می‌کند. «در واقع موضوع کلیدی در بحث مشارکت، میزان قدرتی است که به شهروندان اعطا می‌گردد.»^(۱۴) به پشتوانه مشارکت شهروندان ایده پاسخگویی سیاسی شکل می‌یابد. «وظیفه و مسئولیت پاسخگویی سیاسی از جانب مسئولین و مقامات موجب بقای دموکراتیک نهادهای اجتماعی و سیال و پویا بودن آنها می‌شود.»^(۱۵)

دقیقا با همین دیدگاه است که می‌توان به اهمیت جایگاه جامعه مدنی پی‌برد و مشخص می‌شود چرا دموکراسی، پاسخگویی و مشارکت مردمی و از همه مهم‌تر وجود و تحقق حکمرانی خوب به وجود جامعه مدنی بستگی دارد. «نقش و فعالیت جامعه مدنی یکی از معیارهای اساسی در طبقه بندی رژیم‌های سیاسی به طور کلی و دموکراسی‌های به طور خاص به شمار می‌رود. تمیز رژیم‌های دموکراتیک، شبه دموکراتیک، اقتدار طلب، توتالیتر، فاشیستی و غیره بر حسب ملاک فعالیت و توان مندی جامعه مدنی و رابطه آن با دستگاه قدرت دولتی صورت می‌گیرد.»^(۱۶) هرچه استقلال جامعه مدنی از قدرت و دستگاه دولتی و حکومتی فاصله بگیرد امکان تحقق مشارکت، دموکراسی، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی و دیگر ملزومات حکمرانی خوب بهتر و بیشتر فراهم می‌گردد.

نگاه قانون اساسی ایران به جامعه مدنی و ملزومات جامعه مدنی مثبت و مترقی می‌باشد. در بند ۲ از اصل سوم قانون اساسی ایران دولت موظف و مکلف شده به «بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر» برای زمینه‌سازی و فراهم کردن بستر لازم برای اجرایی شدن تکلیف منعکس در بند ۲ اصل سوم دولت، اصول ۲۴ (آزادی مطبوعات)، ۲۶ (آزادی احزاب، انجمن‌های صنفی، سیاسی)، و ۲۷ (حق تشکیل اجتماعات و راهپیمایی) قانون اساسی که مؤید آزادی‌های مشروع و اساسی شهروندان پیرامون حقوق بشر و تشکیل جامعه مدنی است وضع شده است. تحقق صحیح و دقیق آزادی‌های اساسی ذکر شده که عناصر تحقق جامعه مدنی هستند منجر به توسعه سیاسی می‌شود. در واقع تشکیل جامعه مدنی و وجود مشارکت و رقابت در عرصه سیاسی و رعایت حقوق و آزادی‌های شهروندان از جمله شرایط توسعه سیاسی می‌باشد. توسعه سیاسی نقطه مقابل حکومت خود سرانه و اختیارات همه جانبه است، تلاش‌های جامعه مدنی برای رسیدن به توسعه سیاسی منجر به حاکمیت قانون می‌گردد.

۱-۲- انتخابات

یکی از نشانه‌های بارز دموکراسی مشارکت همگانی است، یعنی شهروندان بدون هیچ‌گونه تبعیض نژادی، دینی، جنسی و اجتماعی حق مشارکت در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی خود را داشته باشند. «انتخابات» در واقع نحوه سازماندهی حقوقی، اجرایی و سیاسی مشارکت شهروندان می‌باشد. «انتخابات باید به صورتی برگزار شود که بیشترین رابطه ممکن بین انتخاب شونده‌گان و انتخاب کنندگان برقرار باشد تا بتوان نسبت به حاکمیت مردم امیدوار بود».^(۱۷)

برگزاری «انتخابات» از این جهت که در شکل‌گیری نهادهای سیاسی و گزینش حکمرانان و زمامداران یک جامعه مؤثر است اهمیت و ضرورت انکار ناشدنی دارد و بسیار حائز اهمیت است. در طول تاریخ اجتماعات بشر، گزینش حکمرانان همیشه یک دغدغه و محل نزاع بوده است ولی این که بشر در طول زمان چگونه به این نحوه گزینش می‌اندیشیده و چگونه به این نحوه گزینش پاسخ می‌گفته است متفاوت بوده، گاه از طریق غلبه و زور و گاه از طریق انقلاب و گاه از طریق وراثت و گاه به صورت اصلاحات مسالمت‌آمیز بوده است ولی در زمان‌های گذشته مهم‌ترین عامل انتقال قدرت و اختیارات زمامداران، عامل وراثت بوده است. اما استقرار حقوقی و سیاسی انتخابات در شکل امروزی آن در قرون هفدهم و هجدهم با پذیرش نظریه نمایندگی و ایجاد رژیم‌های نماینده سالار و ظهور نظریه حاکمیت ملی انجام پذیرفت، «از خلال انتخابات آن هم از سوی شهروندان آگاه و مصلحت‌اندیش، برگزیدگان و نخبگان سربرآوردند و زمام قدرت را به دست گیرند».^(۱۸)

با توجه به مطلب فوق‌الذکر در مورد رسیدن بشر به گزینه انتخابات باید افزود که «در یک نظام سیاسی مبتنی بر دموکراسی و حاکمیت ملی، مهم‌ترین رکن دموکراسی امکان مشارکت عمومی مردم آن هم به صورت حداکثری برای انتخابات می‌باشد».^(۱۹)

به عبارت دیگر بارزترین سامان‌دهی به دموکراسی و تحقق آن انتخابات است. «انتخابات را می‌توان به «آموزه نردبانی» تعبیر کرد زیرا انتخابات در حقیقت نردبانی است که از طریق آن شهروندان می‌توانند ضمن اعمال اراده به اریکه قدرت دست یابند».^(۲۰)

انتخابات و نظام‌های انتخاباتی ساز و کار مشروع و دموکراتیک کسب قدرت سیاسی در عصر مدرن محسوب می‌شود. «به واقع، نظام انتخاباتی، نظامی است که آراء را مناصب و پست‌های سیاسی تبدیل می‌کند».^(۲۱) در پروسه و جریان انتخابات، مردم و افکار عمومی خواست‌ها و نیازهای خود را در برگزیدن نمایندگان منتخب خود بیان می‌کنند. انتخابات و گزینش نمایندگان بدست مردم از محصولات و ملزومات قطعی دموکراسی و نمایش مشارکت

مردم در تصمیم‌گیری در مورد سرنوشت خود و همزیستی مسالمت‌آمیز در جامعه مدنی می‌باشد. «انتخابات، یک حق شهروندی و سیاسی است و اگر انتخابات به معنای آزاد و منصفانه امکان بروز داشته باشد قطعاً خود انتخابات می‌تواند به گسترش حق‌ها و آزادی‌های شهروندی بینجامد.»^(۲۲)

«انتخابات دردموکراسی‌های امروز در حقیقت مهم‌ترین وسیله انعکاس افکار عمومی و خواست‌ها و ترجیحات مردم است.»^(۲۳) مشارکت مردم در امور عمومی منعطف به تحولات سیاسی و اجتماعی در هر جامعه سیاسی محسوب می‌شود و به اشکال گوناگون مانند فعال بودن جامعه مدنی و انتخابات که دو نمود بازر و حائز اهمیت در خصوص مشارکت مردم قلمداد می‌شود. «تجربه نشان داده است که با گذشت زمان این مشارکت همواره افزایش می‌یابد و رشد فزاینده فکری مردم کیفیت این مشارکت نیز بالا می‌رود. بدین معنا که مردم، علاوه بر انتخابات نمایندگان، خود در متن امور سیاسی وارد می‌گردند.»^(۲۴)

انواع اعلامیه‌ها و میثاق‌های مضمول آزادی‌های مدنی و حقوق سیاسی مؤید حق مشارکت افراد در انتخابات و حفظ و صیانت از آن می‌باشد و بر این حقوق در اسناد و اعلامیه‌های گوناگون تأکید شده است. چنان چه در ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر ابعاد گوناگون حق مشارکت افراد آمده است:

۱- هرکس حق دارد که در حکومت کشور خود مستقیماً یا به واسطه نمایندگان که آزادانه انتخاب شده باشند مشارکت کند.

۲- هرکس حق دارد که برابر با دیگران به خدمات عمومی کشور خود دسترسی داشته باشد.

۳- اراده مردم اساس اقتدار حکومت است. این اراده باید از طریق انتخابات ادواری و سالم، با برخورداری عموم از حق رأی متساوی، و استفاده از آرای مخفی، یا روش‌های رأی‌گیری آزاد همانند آن، ابراز گردد.»

همچنین در ماده ۱ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بیان شده است:

«۱- کلیه ملل دارای حق خود مختاری هستند. به موجب حق مزبور ملل وضع سیاسی خود را آزادانه تعیین و توسعه اقتصادی - اجتماعی خود را آزادانه تأمین می‌کنند.»

در ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر اساس اقتدار حکومت اراده مردم شناخته شده است و هر چه میزان مشارکت بالاتر باشد نظام سیاسی حاکم از مشروعیت و مقبولیت بیشتری برخوردار است هرگونه اعمال محدودیت بر حق انتخاب شدن و انتخاب نمودن بیشتر باشد

میزان مشارکت کاهش یافته و مشروعیت خود نظام سیاسی که بر پایه رأی منبعث از حق مردم به وجود می‌آید کمتر می‌شود و آن نظام سیاسی با بحران مشروعیت مواجه می‌شود. در مجموع اسناد حقوق بشر در خصوص انتخابات آن چه جز مقررات اصلی و فاکتورهای مورد نظر می‌باشد عدم تبعیض، مشارکت همگانی، حق رأی مساوی و رأی‌گیری مخفی پایه‌ریزی می‌شوند.

به واقع در بحث مشارکت همگانی و عمومی مردم در انتخابات باید قائل به اصل کثرت‌گرایی (مشارکت حداکثری) باشیم تا زمینه ساز انتخابات با مشارکت حداکثر گروه‌ها، احزاب، انجمن‌ها و مردم عادی باشیم فارغ از این که سیستم دموکراسی مستقیم «ناب‌ترین شکل دموکراسی که در آن مردم به طور مستقیم اعمال حاکمیت می‌کنند ... هر چند که از نظر ژان ژاک روسو که معتقد به این نوع دموکراسی غیر عملی است.»^(۲۵) یا این که دموکراسی غیر مستقیم یا نماینده سالار باشد که شیوه رایج و معمول در اکثریت قریب به اتفاق کشورهای دنیا می‌باشد. «برای این که رژیم خصلت مردم سالار داشته باشد، نخستین شرط این است که بزرگ‌ترین شمار ممکن مردم را در امور عمومی یا در صورت‌بندی قدرت، مشارکت داشته باشد.»^(۲۶)

با توجه به توضیحات فوق الذکر باید بیان داشت که به مرور زمان حق مشارکت سیاسی و رأی دادن به عنوان یک حق برای مردم شناخته شده است. هر چه مشارکت سیاسی در یک نظام سیاسی بیشتر باشد مشروعیت حکومت و نظام سیاسی افزایش یافته و به اصول دموکراسی و حقوق بشر نزدیک تر خواهد بود و این نشان از انعطاف‌پذیری آن نظام سیاسی و آزادی مثبت شهروندان در آن جامعه می‌باشد. «از چنین چشم‌اندازی مهم‌ترین حقوق بشری حق داشتن حکومت دموکراسی است که حاوی و ضامن همه حقوق اساسی بشر است، تنها در پرتو دموکراسی است که حقوق مدنی و آزادی‌های سیاسی قابل تحقق هستند.»^(۲۷)

البته باید توجه داشت که هر چه مشارکت سیاسی مردم در انتخابات آگاهانه و هوشمندانه باشد کمک به ارتقاء سطح کیفیت حکمرانی مطلوب در هیأت حاکمه آن جامعه منجر می‌گردد. زیرا مشارکت سیاسی، ثمره بستر مساعد برای فعالیت‌های سیاسی و وجود فرصت‌های سیاسی مناسب است.

جمهوری اسلامی از جمله شعارهای انقلابی به شمار می‌رود که در اصل اول قانون اساسی تبلور یافته است و بین «آراء عمومی» و «اعتقاد اکثریت» نوعی رابطه منطقی برقرار کرده است.

سند رسمی این نظام، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می باشد که، با آراء عمومی مردم در تدوین و در بازنگری آن اعتبار یافته است.

«مردم در راه تشکیل حکومت اسلامی وظیفه بستر سازی و مهیا کردن شرایط ایجاد چنین حکومتی را بر عهده دارند. در اسلام نظریه قهر و غلبه جایگاهی ندارد و اقتدار حکومت باید از طریق اختیار و انتخاب مردم حاصل شود... همانگونه که حکومت بدون حضور مردم نمی تواند مستقر شود، بدون مشارکت و همراهی مردم نیز استمرار نخواهد یافت. اصولاً انواع حکومتها اعم از مستبد یا مردم سالار، بدون همراهی مردم ادامه حیات نخواهد داشت.» (۲۸)

در نگارش قانون اساسی سعی شده است بر نقش حاکمیت مردم و روند مشارکت جویی اجتماع تأکید شود و تا حد امکان زمینه‌های مشارکت جویی در حاکمیت بین دولت و مردم فراهم گردد. در واقع همراه در قانون اساسی سعی در تأکید بر حاکمیت ملی و حاکمیت مردم شده است. (۲۹) در مقدمه قانون اساسی آمده است که «هدف از حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است (و الی الله المصیر) تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خداگونگی انسان فراهم آید (تخلقوا باخلاق الله)» (۳۰) و نکته مهم و حائز اهمیت این است که این هدف متعالی و ارزشمند بدست نمی‌آید مگر این که از جانب «مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه باشد. با توجه به این جهت، قانون اساسی زمینه چنین مشارکتی را در تمام مراحل تصمیم گیری‌های سیاسی و سرنوشت ساز برای همه افراد اجتماع فراهم می‌سازد.» (۳۱)

برای عملیاتی شدن اهداف مقرر در مقدمه قانون اساسی در اصول قانون اساسی به ترتیب سعی مشارکت افراد در ساختار نظام سیاسی فراهم گردد کما اینکه در اصل اول قانون اساسی بیان شده است: «حکومت ایران جمهوری اسلامی است ...» در بحث مربوط به جمهوریت ذاتاً مشارکت مردم نهفته است.

در امتداد حفظ جمهوریت، انتخابات موضوع محوری است. در بحث مشارکت سیاسی مردم تمرکز بر روی «انتخابات» به عنوان شاخص تأکید می‌شود، «انتخابات، عنصر ضروری حکومت مبتنی بر نمایندگی و شرط لازم تخصص دموکراسی است. انتخابات، فرآیندی منفک، مجزا و مستقل نیست بلکه عنصری از فرآیند دموکراسی است که هدفش تأمین نعین سرنوشت و ارتقاء حقوق بشر است.» (۳۲)

در اصل ششم قانون اساسی ایران بیان شده: «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود، از راه انتخابات (انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای

اسلامی، اعضای شوراها و نظایر این‌ها) یا از راه همه پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد.»

در مقدمه قانون اساسی و اصل ۶ قانون اساسی اداره امور کشور در جمهوری اسلامی ایران را با اتکا بر آرای عمومی از راه انتخابات و همه پرسی معرفی کرده است که بی‌شک مراد قانون اساسی افزایش مشارکت مردم در روند نظام جمهوری اسلامی می‌باشد. مشارکت مردان و زنان کلید اساسی حکمرانی خوب می‌باشد. مشارکت، دخالت آگاهانه در تعیین سرنوشت خویش است. چرا که انسان باید فاعل جهان خود باشد و نه مفعول جهان دیگران. هرگاه مردم در امور کشور و ساختار سیاسی مشارکت نمایند، مقاومت آن‌ها در برابر نوآوری و نوسازی‌ها کاهش می‌یابد و سازگاری بهتر با شرایط نشان می‌دهند. در فضایی که مشارکت وجود دارد، مدیریت با تفویض اختیار تقسیم می‌شود و در نتیجه روحیه کار، بردباری و مسئولیت‌پذیری افراد افزایش می‌یابد و تعارض‌ها و ستیزه‌ها کم می‌شوند و در نهایت بهره‌وری بالا می‌رود.

«در اجرای اصل بنیادین مذکور، انتخاب غیر مستقیم رهبری از طریق مجلس خبرگان منتخب مردم و انتخاب مستقیم رئیس جمهور، مجلس شورای اسلامی، شوراها و همه پرسی مبین نقش مردم در اداره امور عمومی بالمباشره یا با واسطه نمایندگان است که آزادانه انتخاب می‌شوند.» (۳۳)

با توجه به توضیحات فوق می‌توان نتیجه گرفت که «تشکیل و استمرار یک حکومت بر اساس زور و بدون رضایت مردم، علاوه بر اینکه آنان را نسبت به حکومت و سران آن بدبین می‌کند، باعث لرزانی پایه‌های آن می‌شود و همواره آن را با خطر آشوب داخلی یا فروپاشی روبرو می‌سازد... اصولاً هدف از تشکیل حکومت اسلامی، گسترش اسلام میان مردم و رساندن آنان به کمال سعادت فردی و اجتماعی است و معلوم است که نمی‌توان چنین هدفی را بدون رضایت مردم فراهم کرد. در نتیجه تشکیل حکومت اسلامی یا استمرار آن در صورتی که با مقبولیت مردمی همراه نباشد، منجر به نقض غرض و پایمال شدن اهداف دین می‌شود. پس قطعاً جایز نیست.» (۳۴)

۲- همپوشانی قانون اساسی ایران با آموزه‌های حکمرانی خوب

به نظر می‌رسد برای رونق بخشیدن به مباحث مشارکت در چارچوب قانون اساسی ایران و اعمال کردن منویات حکمرانی خوب در این خصوص می‌توان دو رویکرد یا راه حل با توجه به ساختار قانون اساسی ایران پیشنهاد داد که افزایش آگاهی بخشی فردی و جمعی (دموکراسی

هوشمند) و باور به توان شهروندان است که می تواند منجر به مشارکت بیشتر مردم در نظام سیاسی ایران شود و نتیجه این امر منجر به تقویت مشارکت از نوع مدنی و سیاسی می گردد در توضیح بیشتر این نظر باید بیان داشت از جمله راهکارهای افزایش مشارکت اجتماعی و نیز همبستگی ملی، آگاهی دادن به مردم از توان، ظرفیت‌ها، استعدادها و قدرت و منزلت خویش و نیز حقوق شهروندی آنان در باب مسئولیت‌های فردی و اجتماعی ایشان است که می‌تواند عامل مؤثری در بهسازی و نوسازی و آبادانی کشور باشد. اگر واقعاً مردم به این حقیقت پی ببرند که اگر بخواهند می‌توانند نظام سیاسی را مطابق ذوق و سلیقه خویش بسازند و در این زمینه آگاهی لازم به آنان داده شود، قطعاً به صورت آگاهانه و از روی اختیار در فعالیت‌ها و طرح‌ها و برنامه‌های ملی و مشارکت جدی، همراه با همبستگی و وحدت خواهند داشت. بسیاری از انسان‌ها نمی‌دانند چقدر زندگی آنان تحت تأثیر شرایط اجتماعی و فرهنگی و سیاسی محیط آن هاست و از این رو، تصور می‌کنند می‌توانند بدون درگیر شدن با این گونه مسائل و - به اصطلاح - بدون مشارکت عمومی، به زندگی مطابق سلیقه خویش ادامه دهند. در حالی که، اگر اندکی تأمل کنند به خوبی در خواهند یافت که افزایش کارآمدی نظام سیاسی و اجتماعی به میزان مشارکت آنان وابسته است. «اگر افراد بدانند که به چه میزان محیط فرهنگی یک جامعه در شکل‌گیری شخصیت آنان و فرزندانشان مؤثر است، قطعاً به مشارکت فعالانه عمومیو ساختن محیط اطراف خویش همت خواهند گماشت.»^(۳۵)

بنابراین، «اگر افراد جامعه و عموم مردم به توان، استعداد و نقش خویش در ساختن جامعه آگاهی داشته باشند و از میزان اثرگذاری عوامل و محیط فرهنگی در زندگی خود، خانواده خود و نیز از هزینه‌های عدم مشارکت خود در رشد و توسعه و بهبود زندگی فردی و اجتماعی خویش، آگاه شوند، البته احساس نیاز به مشارکت خواهند نمود و آگاهانه و با رضایت خاطر وارد عرصه مشارکت ملی و عمومی برای عمران و آبادی کشور خود خواهند شد.»^(۳۶) از جمله عوامل افزایش انسجام و وفاق اجتماعی، مشارکت آزادانه، آگاهانه و از روی اختیار مردمی است. بدین معنا که در هر کاری مردم احساس کنند از سوی حاکمیت برای انجام کاری تحت فشار قرار دارند، با اشتیاق و انگیزه دست به فعالیت نمی‌زنند.

آن گاه که ارتباط مردم و حاکمیت، نزدیک و هوشمندانه باشد، نیازی به تحمیل، جبر و اجبار برای همکاری نیست. «مردم آن گاه که احساس کنند حاکمیت برای انجام پروژه و یا طرحی ملی نیازمند کمک، مساعدت و مشارکت مردمی است، خود با شوق و اشتیاق در این مهم کمک خواهند کرد.»^(۳۷)

بنابراین از جمله راهکارهای افزایش همبستگی ملی و مشارکت عمومی، حذف فاصله و شکاف میان حاکمیت و مردم است. مردم وقتی احساس کنند که بین آنان و حاکمیت فاصله‌ای نیست و حاکمیت را از آن خود تلقی کنند، آگاهانه و آزادانه و از روی اختیار و با میل و اشتیاق در توسعه ملی مشارکت همگانی و فعال خواهند داشت. روشن است فعالیت‌هایی که از روی اجبار و اکراه صورت گیرند، هرگز در بلند مدت دوام نخواهند آورد، برای مثال، سازمان و یا اداره‌ای که با کمک و همیاری و مشارکت مردم اداره می‌شود، در صورتی که مردم در این مشارکت احساس جبر کنند و کمک‌های مردمی بدون میل و اراده آنان دریافت شود، چنین کمک‌هایی هرچند ممکن است در کوتاه مدت دوام یابد ولی در بلند مدت هرگز دوام نخواهد داشت و به محض از بین رفتن فشار، کمک‌ها و مشارکت مردمی متوقف خواهد شد. «از این رو، از جمله راهکارهای افزایش مشارکت، اجتناب از تحمیل و فشار در جلب مشارکت مردمی است»^(۳۸) و افزایش اشتیاق در سهمیم شدن در تعیین و تغییر سرنوشت سیاسی و اجتماعی بسیار حائز اهمیت است.

در ایران نیز به دلیل این که سالیان متمادی نظام‌های سیاسی پیش از انقلاب وابسته به بیگانگان بوده‌اند، مردم چندان نسبت به سیاست مداران روی خوش نشان نمی‌دهند. هرچند پس از انقلاب این شکاف و فاصله برداشته شده است. «اساساً هرچه فاصله مردم از حکمت و حاکمان بیش تر و اعتماد مردم نسبت به حاکمیت کمتر باشد، مشارکت مردمی در توسعه عمومی کمتر خواهد بود»^(۳۹).

بنابراین، در نظام مردم‌سالاری دینی باید حاکمان، خادمان مردم باشند و مردم را در توسعه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صاحب رأی و نظر بدانند و همواره عملکرد خویش را از منظر مردم ارزیابی نمایند تا بدین سان هم کارآمدی خویش را افزایش داده و هم با بهره‌گیری از مشارکت عمومی به توسعه و آبادی کشور در پرتو نیروهای فعال و جوان بپردازند و هم فاصله خویش و مردم را کمتر نموده و سرانجام، ذهنیت و نوع نگرش مردم را نسبت به حاکمیت تغییر دهند، تا زمینه افزایش مشارکت عمومی بیش از پیش فراهم شود. انتشار «منشور حقوق شهروندی» در دولت دکتر روحانی در واقع نوعی اقدام برای فرهنگ‌سازی و تقویت روابط اجتماعی بر مبنای فرهنگ شهروندی است. دولت با این کار افکار عمومی را متوجه به این موضوع ساخت که حقوق شهروندی دارای جنبه حائز اهمیت و فرهنگ‌سازی می‌باشد و لیکن به نظر می‌رسد انتشار منشور حقوق شهروندی بدون پشتوانه ستادی و اجرایی جامه عمل نخواهد پوشید بلکه بهتر است به جای صدور منشورهای کاغذی باید به تغییر رفتار زمامداران و

شهروندان نیز توجه داشت و در این راستا با تأسیس «مرکز ملی حقوق شهروندی» زیر نظر معاونت حقوقی ریاست جمهوری برای نظارت بر اجرای منشور بسیار خوب و پسندیده است.^(۴۰) این مرکز می‌تواند در شناسایی مصادیق حقوق شهروندی و موارد نقض آن فعالیت داشته باشد و همچنین پیشنهادهای لازم در این خصوص را به منظور اصلاح قوانین به هیئت دولت و سایر مراجع مرتبط با قانونگذاری ارائه دهد.

موضع‌گیری‌های اقتدارگرایانه موجب دلسردی مردم از نظام و حاکمیت و شکاف و فاصله آنان از حاکمان خواهد شد و در بلند مدت همبستگی ملی را تضعیف مشارکت عمومی را در طرح‌های ملی و همیاری متقابل آنان را در اجرای طرح‌ها و پروژه‌های ملی به شدت کاهش می‌دهد. «از این رو، شایسته است که حاکمان مردم را باور کرده، از قدرت، مهارت، تخصص، نیروی فعال، پر انرژی و جوان آنان در مشارکت عمومی بهره بگیرند تا بدین سان، زمینه جلب رضایت عمومی و مشارکت مردمی فراهم آید.»^(۴۱) اقداماتی که در این خصوص می‌توان ارائه داد معطوف به دو بعد مشارکت می‌باشد: اول مشارکت مدنی و دوم مشارکت سیاسی

۲-۱- مشارکت مدنی

در این خصوص شایان ذکر می‌باشد که مقوله بسیج نیروها در حوزه حقوق عمومی به منابع انسانی، امکانات و تجهیزات مادی اطلاق می‌شود. حاکمان برای جلب رضایت عمومی و افزایش اعتماد سیاسی و در نتیجه، جلب مشارکت عمومی باید از همه امکانات، ظرفیت‌های مادی و انسانی بهره گیرند. در واقع، با بسیج ظرفیت‌های انسانی و مادی می‌توان اقدام به افزایش مشارکت عمومی نمود. به عبارت دیگر، این تنها نظام‌های مردمی هستند که به راحتی می‌توانند اقدام به بسیج منابع انسانی نمایند. در واقع، نظام‌های سیاسی که پشتوانه مردمی دارند، قادرند در کوتاه‌ترین زمان ممکن و با کمترین هزینه، اقدام به بسیج منابع انسانی و همه امکانات و تجهیزات بالفعل و بالقوه نمایند. از این رو، در چنین نظام‌هایی مشارکت عمومی بالاست.

تعیین جایگاه مناسب و حدود قانونی برای سازمان‌های غیردولتی سبب می‌شود که زمینه‌های بروز استعدادها و تقویت انگیزه‌های مشارکت سیاسی انسانی برای حرکت اجتماعی فراهم شود و مردم با اطمینان از مصونیت از هرگونه تعرضی از جانب نهادهای دولت و یا افراد غیرمسئول به همیاری و مشارکت در امور بپردازند. «سازمان‌های غیر دولتی به عنوان بخشی از جامعه مدنی روز به روز در حال گسترش بوده و دارای حوزه فعالیت گوناگون در زمینه‌های

محیط زیست، حقوق بشر، توسعه اجتماعی و اقتصادی، مسائل زنان و جوانان و مقابله با بحران‌های اجتماعی می‌باشند. با این توضیحات، عنایت کافی به ایجاد شرایط زیر در رابطه با فعالیت سازمان‌های غیر دولتی ضروری است:

الف) به عنوان بخشی از جامعه در کنار دولت و نهادهای انتفاعی خصوصی نظیر شرکت‌ها و فروشگاه‌ها به رسمیت شناخته شوند. به عبارت دیگر جامعه بپذیرد که نهادهای غیردولتی مردمی از حق موجودیت، فعالیت و کمک به کلیه مراحل قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری و اجرا برخوردار هستند. «سازمان‌های غیردولتی واسطه میان دولت و شهروندان بوده و نقش مهمی در تعدیل سیاست‌های آمرانه دولت‌ها دارند.»

ب) با توجه به ماهیت کار سازمان‌های غیر دولتی قوانین حاکم بر شکل‌گیری سازمان‌های مردم‌نهاد نبایستی دست و پاگیر و محدودکننده باشند. سازمان‌های مردم‌نهاد به عنوان بخش مهمی از جامعه مدنی خود جوش هستند که در اثر انگیزه‌های پاک انسانی و برای رفع انواع نیازهای جامعه به وسیله مردم شکل می‌گیرند. این خود مردم هستند که نیاز را شناسایی نموده راه‌های رفع آن را جستجو می‌کنند و با توجه به توانایی‌های بالقوه و بالفعل خود حدود و نحوه فعالیت (در چارچوب قانونی) را مشخص می‌نمایند. ماهیت این‌گونه نهادها، برقراری تماس‌های متسمر با مسئولان و مدرم، ارتقاء آگاهی عمومی، شناسایی و همکاری با نهادهای همفکر، نظارت و شناسایی نقاط ضعف تشکیلات دولتی و تلاش برای رفع آن‌ها با به کارگیری مهارت‌های خاص خود از طریق مشورت دادن با قانون‌گذاران و سیاست‌گذارانف اجرای داوطلبانه قوانین شانه به شانه مجریان دولتی و جمع‌آوری، نگهداری و استفاده از اطلاعات است.

ج) فعالین نهادهای غیردولتی با رأی مردم انتخاب نمی‌شوند و یا توسط مقامات دولتی منصوب نمی‌گردند. در نتیجه عواملی چون نمایندگی، پاسخگویی، مشارکت، شفافیت در کار و نهایتاً اقدامات انجام شده تضمین‌کننده سلامت اینگونه نهادهای می‌باشند. هرکدام از نهادهای غیر دولتی بایستی کلیه عوامل مؤثر در سلامت تشکیلات را به گونه‌ای متعادل برقرار نموده در قبال سئوالت افراد مرتبط اعم از تأمین‌کنندگان مالی، فعالین سازمان‌ها، کارگزاران و طرفداران پاسخگو باشند. سازمان‌های غیر دولتی در بستر وجود جامعه مدنی می‌توانند ضمن پیگیری برای نیل به اهداف خود، مشارکت، همگرایی و وحدت کلیه اقشار جامعه را در دستور کار خود قرار دهند. در واقع سازمان‌های غیردولتی یا مردم‌نهاد بسیار از ظرفیت‌های جامعه مدنی را مورد استفاده قرار می‌دهند و به اهداف و منویات جامعه مدنی می‌توانند نزدیک شده و جامع

عمل ببوشانند. در واقع جامعه مدنی از طریق گسترش و ترویج تقویت سازمان‌های غیردولتی مختلف و متنوع از قدرت مردم و نیروی انسانی جامعه برای توسعه مشارکت مدنی سود می‌جوید.

۲-۲- مشارکت سیاسی

مشارکت عمومی که معمولاً به تبع همبستگی و وفاق ملی پدید می‌آید، پذیرش آگاهانه، شرکت فعال و مؤثر افراد یک جامعه برای رسیدن به هدف خاص در قالب تعامل، همکاری یا همیاری و تعامل دو سویه بین مردم و حاکمیت در اجرای برنامه‌ها و طرح‌های توسعه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را مشارکت عمومی می‌گویند. «بدیهی است که در فرآیند مشارکت عمومی فرد خواسته‌های واقعی خود و جامعه را به درستی و روشنی می‌شناسد و نه تنها هدف خود را با اهداف جامعه در تعارض و تضاد و نمی‌بیند که این دو را مکمل و همسو تلقی می‌کند، به گونه‌ای که اگر خواسته‌های وی با مصالح عمومی در تعارض باشد، مصالح جامعه را بر اهداف و مصالح خویش مقدم می‌شمارد.»^(۴۳)

در این خصوص، امکان مشارکت مبحث بسیار مهمی است. «با دسترسی مردم به مهارت‌ها، منابع و نهادها، ظرفیت شهروندان برای انجام اقداماتی برای خود یا مذاکره در مورد تصمیماتی که توسط دیگران اتخاذ می‌شود، بالا می‌رود. تمرکززدایی از روش‌های بالا بردن و افزایش میزان مشارکت از طریق دادن اختیار به شهروندان حاشیه‌ای برای استفاده از نهادها و منابع است.»^(۴۴)

هر چه مشارکت سیاسی مردم در یک نظام سیاسی بیشتر باشد، مقبولیت نظام بیش تر است. از این رو کشورهای توسعه یافته و کشورهای توسعه نیافته از نظر شاخص‌های توسعه و مشارکت با هم تفاوت‌های اساسی دارند، در کشورهای توسعه نیافته میزان مشارکت سیاسی مردمی بسیار پایین است و اصولاً مردم نقشی در شکل‌گیری نظام سیاسی و نهادهای مدنی خویش ندارند. در حالی که در نظام‌های دموکراتیک و مدل حکومت‌های مردم سالارانه، به ویژه حکومت مردم سالاری دینی، اساس و بنیان شکل‌گیری حکومت بر اساس رأی مردمی و نظر مردم است.

نوع مشارکت انتخاباتی به عنوان پشتوانه مردمی نظام‌های سیاسی جایگاه ویژه‌ای دارد. اهمیت و جایگاه مشارکت انتخاباتی به گونه‌ای است که محور مشارکت سیاسی محسوب می‌شود. چرا که انتخابات محور اصلی فعالیت‌های احزاب و گروه‌های سیاسی است. در واقع،

حاکمیت باید با بسیج منابع و میدان دادن به همه گروه‌های سیاسی و احزاب، مردم را به عنوان منابع انسانی بسیج نموده و آنان را وارد عرصه‌های انتخاباتی نماید تا بدین سان همبستگی ملی افزایش یابد. بحث مشارکت سیاسی در بعد انتخاب است از جهت حائز اهمیت است که «جنبه داخلی حق تعیین سرنوشت مربوط به حقوق ملت‌ها در داخل دولت برای انتخاب چارچوب سیاسی، حدود مشارکت سیاسی و شکل حکومت خود است. حق تعیین سرنوشت داخلی، مردم یک سرزمین معین را در فرآیند دموکراتیک حکومتی که آزادانه انتخاب کرده‌اند، از مشارکت آزاد و منصفانه برخوردار می‌سازد.»^(۴۵)

نتیجه‌گیری

در یک جمع بندی می‌توان بیان داشت دولتی که با مشارکت حداکثری مردم بر سر کار آمده باشد و پشتوانه مردمی قوی داشته باشد خود را پایبندتر به خواست‌ها و نیازهای مردمی می‌داند و به منبع اخذ مشروعیت خویش بیشتر پایبند خواهد بود، که همانا جامعه مدنی می‌باشد. «زمانی یک حکومت مشروع است که ارزش‌ها و اندیشه‌های عموم مردم با ارزش‌ها و اندیشه‌های نخبگان جامعه در تضاد نباشد. مردم حکومت را از آن خود بدانند و حکومت نیز به طور نهادی شده، قانونی و مستمر، خود را در مورد عملکردش در برابر مردم پاسخگو بدانند.»^(۴۶) در واقع پاسخگویی دولت که یکی از محورهای عناصر حکمرانی خوب است از دولت با مشارکت همگانی مردم در یک جامعه مدنی مترقی و آگاه حاصل می‌شود و پیوند عناصر حکمرانی خوب به عنوان عناصر تفکیک‌ناپذیر و به هم پیوسته خود را بیشتر نمایان می‌سازد. جامعه مدنی فعال و پویا که در سازمان‌های غیردولتی به عنوان بخش مهمی از نهادهای جامعه مدنی در کنار احزاب و مطبوعات و سندیکاها محسوب می‌شوند از درون مشارکت آگاهانه و فعال در جهت توانمند سازی شهروندان بوجود می‌آید. مشارکت سیاسی حاصل از این شرایط به مراتب قوی‌تر و هوشمندانه‌تر در عرصه انتخابات شرکت نموده و دست به گزینش و انتخاب خواهد زد و مشارکت سیاسی بدون خشونت و پلورالیزم سیاسی و اجتماعی پایه اصلی توسعه و نوسازی و سیاسی در یک کشور می‌باشد و به نظر می‌رسد هم قانون اساسی ایران با توجه به توضیحات فوق‌الذکر گنجایش و ظرفیت را دارا می‌باشد و هم نظام سیاسی ایران پتانسیل هم پوشانی و فراهم شدن عناصر و آیتم‌های حکمرانی خوب را دارد.

منابع

- ۱- والایی شریف، حمید، «مدیریت مشارکتی»، شرکت نشر و چاپ بازرگانی، چاپ اول، تهران ۱۳۸۴، ص ۶.
- ۲- بشریه، حسین، «درس‌های دموکراسی برای همه»، نشر نگاه، چاپ دوم، ۱۳۸۱، ص ۱۴۰.
- ۳- همان، ص ۱۳۹.
- ۴- بشریه، حسین، «درس‌های دموکراسی برای همه»، انتشارات نگاه، چاپ دوم، سال ۱۳۸۱، ص ۱۴۲.
- ۵- امیر ارجمند، اردشیر، «حفاظت از محیط‌زیست و همبستگی بین‌المللی»، مجله تحقیقات عمومی، شماره ۱۵ سال ۱۳۸۰، ص ۳۲۸.
- ۶- همان، ص ۳۶۶-۳۶۷.
- ۷- سریع القلم، محمود، «فرهنگ سیاسی ایران»، نشر فرزانه، چاپ چهارم، سال ۱۳۹۰، ص ۵.
- 8- Pluralism
- ۹- هاشمی، سیدمحمد، «جامعه مدنی و نظام سیاسی» جزوه درسی دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۷۷، ص ۱۵.
- ۱۰- اسلامی، رضا، «آموزش حقوق بشر»، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۳، ص ۲۱۱.
- ۱۱- جهان بگلو، رامین، «زمانی برای انسانیت بشر»، انتشارات نی، سال ۱۳۸۰، ص ۱۴۲.
- ۱۲- هداوند، مهدی، پایان نامه مقطه دکتری، «نظارت قضایی بر اعمال اداری از منظر حکمرانی خوبی»، سال ۱۳۸۸، ص ۸۸.
- ۱۳- زارعی، حمد حسین، «حکمرانی خوب، حاکمیت و حکومت در ایران»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۰، سال ۱۳۸۸.
- ۱۴- هاشمی، سید محمد، «حقوق شهروندی و توسعه شهری مشارکتی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۰، سال ۱۳۸۷.
- ۱۵- جهانبگلو، رامین، «زمانی برای انسانیت بشر»، انتشارات نی، سال ۱۳۸۰، ص ۱۴۹.
- ۱۶- بشریه، حسین، «آموزش دانش سیاسی»، انتشارات نی، چاپ اول، سال ۱۳۸۲، ص ۱۵۶.
- ۱۷- هاشمی، سیدمحمد، «حقوق اساسی و ساختارهای سیاسی»، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۰، ص ۲۲۵.
- ۱۸- قاضی، ابوالفضل، «بایسته‌های حقوق اساسی»، نشر میزان، چاپ چهارم، سال ۱۳۷۸، ص ۲۹۲.

- ۱۹- علیخانی، صادق، «انتخابات گامی به سوی حقوق بشر»، روزنامه اعتماد ملی، شماره ۹۱۳، ۱۳۸۸/۲/۱۷.
- ۲۰- گرجی، علی‌اکبر، «در تکاپوی حقوق اساسی»، انتشارات جنگل، چاپ دوم، ۱۳۸۸، ص ۱۲۴.
- ۲۱- بشریه، حسین، «درس‌های دموکراسی برای همه»، انتشارات نی، چاپ سوم، سال ۱۳۸۳، ص ۱۵۶.
- ۲۲- مصاحبه دکتر علی‌اکبر گرجی با روزنامه اعتماد ملی، شماره ۹۱۳، ۱۳۸۸/۴/۱۷.
- ۲۳- بشریه، حسین، «آموزش دانش سیاسی»، انتشارات نی، چاپ دوم، سال ۱۳۸۲، ص ۱۹۱.
- ۲۴- هاشمی، سید محمد، «حقوق اساسی و ساختارهای سیاسی»، نشر میزان، چاپ اول، سال ۱۳۹۰، ص ۲۱۱.
- ۲۵- هاشمی، سید محمد، «حقوق اساسی و ساختارهای سیاسی»، انتشارات میزان، چاپ اول، سال ۱۳۹۰، ص ۲۳۰.
- ۲۶- قاضی، ابوالفضل، «حقوق اساسی و نهادهای سیاسی»، نشر میزان، چاپ چهارم، سال ۱۳۸۸، ص ۶۴۴.
- ۲۷- بشریه، حسین، «گذار به مردم سالاری»، چاپ دوم، انتشارات نی، سال ۱۳۸۰، ص ۶۴۴.
- ۲۸- کعبی، عباس، «مبانی حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران»، نشر بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۴، ص ۱۶۱.
- ۲۹- در اصل ۵۶ بر سه نوع حاکمیت تأکید شده که به ترتیب حاکمیت الهی، حاکمیت ملی و حاکمیت مردم.
- ۳۰- مقدمه قانون اساسی
- ۳۱- همان.
- ۳۲- اسلامی، رضا و بشکار دانا، کتابیون، «حق بر دموکراسی در حقوق بین الملل معاصر»، مجله حقوقی بین الملل، شماره ۴۷، زمستان ۱۳۹۱.
- ۳۳- هاشمی، سید محمد، «حقوق بشر و آزادی‌های اساسی»، انتشارات میزان، چاپ سوم، سال ۱۳۸۹، ص ۴۵۶.
- ۳۴- ارسطو، محمدجواد، «مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران»، نشر دانشگاه باقرالعلوم، چاپ اول، ۱۳۸۹، ص ۴۵۱.

- ۳۵- احمدی، حمید و دیگران، «میزگرد همبستگی ملی و وفاق اجتماعی»، فصلنامه مطالعات ملی، سال اول، شماره ۱، سال ۱۳۷۸، ص ۲۰.
- ۳۶- موثقی، سید احمد «وفاق اجتماعی و توسعه در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علوم سیاسی، سال سوم، شماره ۱۰، پاییز ۱۳۷۹، ص ۳۱۲.
- ۳۷- صدیق اورعی، غلامرضا، «تعارض‌های فرهنگی و وفاق اجتماعی»، مجموعه مقالات وفاق اجتماعی و فرهنگ عمومی، سازمان چاپ و انتشار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۱، ص ۲۱.
- ۳۸- همان، ص ۲۳-۲۴.
- ۳۹- چلبی، مسعود «وفاق اجتماعی»، ماهنامه علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، شماره ۳، سال ۱۳۷۳، ص ۱۷.
- ۴۰- گرجی، علی اکبر، «حقوقی سازی سیاست»، انتشارات جنگل، چاپ اول، سال ۱۳۹۴، ص ۷۱.
- ۴۱- موثقی، سید احمد، «استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام»، انتشارات دفتر تبلیغات، چاپ اول، سال ۱۳۷۰، ص ۱۲.
- ۴۲- فولادی، محمد، مقاله «همبستگی ملی و مشارکت عمومی»، فصلنامه معرفت، شماره ۹۰، سال ۱۳۸۹، ص ۸۹.
- 43- staff report on: "building peace through good governance". op.cit.p32
- ۴۴- اسلامی، رضا و بشکار دانا، کتابیون، «حق بر دموکراسی در حقوق بین الملل معاصر»، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۴۷، زمستان ۱۳۹۱.
- ۴۵- سریع القلم، محمود، «اصول ثابت توسعه سیاسی»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۵۶ و ۵۵، سال ۱۳۷۱.